

يك صفحه از حوادث عراق در جنگ بين المللى اخير

خوانندگان اطلاع دارند که در اوایل سال ۱۹۴۱ (۱۳۲۰) در کابینه رشیدعالی کیلانی دولت انگلیس برای توقف عبور نیرو از خاک عراق، و استفاده از بنادر و جاده‌ها و فرودگاه‌ها، و راه آهن و سایر وسایل ارتباطیه تقاضاهائی داشت که چون دولت عراق نپذیرفت زود و خوردهای خونینی بین قوای نظامی و چریک عراق و قوای انگلستان روی داد که منتهی بشکست و تلفات سنگین عراق و فرار رشیدعالی کیلانی و وزیران و فرماندهان بخارج مرز، و اشغال عراق از طرف نیروی متفقین گردید.

این حادثه درست در موقعی بظهور پیوست که قوای آلمان باوج عظمت و بکمال پیشرفت رسیده بود و از طرفی قفقاز و از سوی دیگر مصر و سواحل شرقی مدیترانه را شدیداً تهدید مینمود و ظواهر امر نشان میداد که دامنه جنگ رفته رفته بطرف مشرق و آسیا کشیده میشود چه در غرب قوای محور فقط بحفظ سواحل اقیانوس اطلس و مدیترانه غربی پرداخته بودند و اقدام بعملیات تهاجمی نمیکردند. در چنین موقعی که همه انظار متوجه شرق و راه هندوستان بود رشیدعالی کیلانی با پشتیبانی و امیدواری آلمان علیه انگلستان قیام نمود و بدیهی است که اگر قوای عراق موفق بشکست قوای انگلستان میگردید راه برای رسیدن نیروی آلمان بسواحل خلیج فارس و هندوستان بازمی شد و ارتباط مستقیم با قوای ژاپون در سینگاپور و هند و چین برقرار میگشت و شکست شوروی حتمی بود و در نتیجه وضع کنونی وجود خارجی نداشت و دیگر نه از تاك نشان بود و نه از تاك نشان.

حادثه مزبور برای ایران اهمیت خاصی دارد چه همین حادثه است که مقدمه حمله قوای متفقین ب خاک ایران و وقایع شوم شهریور گشت و در واقع یاد گانهای انگلیس در عراق مرکز تجهیزات و پایگاه لشکر کشی بایران گردید. مستر چرچیل نخست وزیر کنونی انگلستان که در آن موقع نیز نخست وزیر بود جریان این واقعه را در یاد داشتهای خود ثبت و سپس منتشر نموده که ترجمه آن از نظر خوانندگان محترم میگردد.



بیمان سال ۱۹۳۰ بین عراق و انگلستان حقوق و مزایایی در موقع صلح و آرامش به انگلستان داده است که از جمله داشتن تکیه گاههای قوایی در نزدیکی بصره (شبهه)، و در نزدیکی بغداد (حاجیه)، و عبور قوای نظامی و مهمات در کلیه اوقات میباشد. در موقع جنگ اضافه بر مزایای فوق، دولت عراق متعهد است که کلیه وسائل ممکنه از قبیل راه آهن و رودخانه‌ها و بنادر و فرودگاه‌ها را برای عبور قوای مسلح در اختیار دولت انگلیس بگذارد.

پس از بروز جنگ، عراق روابط سیاسی خود را با آلمان قطع کرد ولی اعلان جنگ به آلمان نداد. موقعی که ایتالیا وارد کارزار گردید دولت عراق روابط خود را با آن دولت قطع نمود و

سفارت ایتالیا در بغداد مرکز اساسی و کانون تبلیغات محور در ایجاد حس تنفر نسبت بانگلستان گردید . و از طرفی حاج محمد امین الحسینی مفتی اعظم فلسطین که قبل از آغاز جنگ از فلسطین فرار کرده و بعراق پناه برده بود علیه انگلستان فعالیت مینمود .

در هم شکسته شدن فرانسه و وصول کمیسیون متار که محور به سوریه ، نفوذ انگلستان را با آخرین مرحله پستی رساند و نگرانی شدیدی در اثر این وضع دامنگیر انگلستان شده بود ولی چون دولت مزبور در نقاط دیگر و مخصوصاً در شمال افریقا سرگرم بود مجال اینکه در اطراف عملیات نظامی در خاور میانه بحث کند نداشت و ناچار بود وضع را بحال کجدار و مریز نگاه دارد .

در ماه مارس ۱۹۴۱ اوضاع روی بوخامت گذارد و رشید عالی کیلانی که با آلمان همفکر بود کابینه عراق را تشکیل داد و باتفاق سه نفر از فرماندهان معروف عراق (که بنام **هریبع طلالی** معروف شد) شروع به توطئه و دسایس نمودند ، و در آخرمه مارس امیر عبدالاله نایب السلطنه عراق که طرفدار انگلستان بود بناگزریر خاک عراق را از طریق بصره ترک نمود .

در این موقع حفظ بصره که بندر مهم عراق و لنگرگاه کشتیهای حامل نیرو و مهمات و کلید خلیج فارس است برای انگلستان نهایت اهمیت را داشت و لذا نخست وزیر انگلستان بوزیر هندوستان نوشت : (۸ آوریل ۱۹۴۱) .

« چندی قبل پیشنهاد کرده بودید که میتوانید یک لشکر دیگر از قوای مرزی را بخاور میانه اعزام نمائید . وضع عراق سخت گردیده و ما باید بصره را حفظ و حراست کنیم چه امریکا نهایت توجه و اهتمام را به تأسیس پایگاه هوائی عظیمی در آنجا دارد و میتواند بطور مستقیم مهمات بدان نقطه حمل نماید . این توجه امریکا حائز کمال اهمیت است زیرا دیگر تردیدی نیست که آتش جنگ روی بخاور زبانه میکشد . به رؤسای ستاد جنگ ابلاغ خواهد شد که در این باره باشاهمکاری نمایند و ژنرال او کنلیک نیز عقیده دارد که میتوان قوای اضافی گسیل داشت . »

مستر امری وزیر هندوستان نیز در همانروز مراتب را تلگرافاً به لرد لنبشکو نایب السلطنه هندوستان اطلاع داد و لرد مزبور موضوع را با ژنرال او کنلیک فرمانده کل در میان نهاد و فرمانده کل آمادگی کامل خود را برای انتقال یک هنگ پیاده و یک هنگ توپخانه که اکثر آنها روی کشتی و عازم مالایا بودند به میدان بصره اعلام داشت ، و مقرر گردید که هرچه زودتر قوای دیگری نیز بر این عده اضافه گردد .

روز ۱۸ آوریل هنگ پیاده مزبور که در حمایت یک تیپ چتر بازانگلیسی روز قبل وارد شعبه شده بود بدون مخالفت و پیش آمدی در بندر بصره پیاده شدند . از دولت هندوستان خواسته شد هرچه زودتر دو تیپ دیگر که برای اعزام بمالایا حاضر شده بودند بعطف عراق گسیل شوند .

این نامه (مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۴۱) برای ابلاغ به ستاد جنگ و کلیه مقامات ذمعه صادر شده است : « باید هرچه زودتر نیرو به بصره اعزام نمود و لافل سه هنگی را که سابقاً وعده اعزام آن داده شده بود زودتر روانه سازند . »

نامه دیگر نخست وزیر بوزیر امور خارجه (۲۰ آوریل ۱۹۴۱) .

« باید به سر کینهان کورنوالیس (سفیر کبیر وقت انگلستان در عراق) توضیح داده شود که منظور اساسی از اعزام قوا بعراق تأسیس و حمایت مرکز یادگان در بصره است و کلیه اتفاقات در سایر نقاط عراق با استثنای « جابیه » فعلاً در درجه دوم اهمیت قرار دارد . ما میخواهیم از حقوق خود در پیاده کردن سرباز طبق پیمان استفاده کنیم و از خونریزی اجتناب نمائیم ، ولی در عین حال باید

در صورت لزوم حداکثر استفاده از نیرو بعمل آید و بنابراین وضع ما در بصره فقط مستند بیمان نیست بلکه مستند بر پیش آمد جدیدی است که شاید منتهی به جنگ گردد. نمیتوان تعهد سیرد که قوای انگلستان بعداد اعزام خواهد شد یا از طریق عراق بفرسطنین منتقل میگردد، و نباید در مقابل دولتی که بوسیله انقلاب و کودتا زمام امور را بدست گرفته (مقصود دولت رشید عالی گیلانی است) چنین تعهدی نمود، و یا در کشوری که حقوق حقه ما که در میان مصرح است پایمال گردیده دولت آن کشور را برسمیت شناخت. سرکپنهان گورنوالیس نباید با دادن توضیحاتی خود را در زحمت اندازد.

بموجب این دستور سفیر کبیر انگلستان در بغداد به رشید عالی اطلاع داد که در سی ام آوریل وسایل نقلیه دیگری وارد بصره خواهد شد، رشید عالی در پاسخ اظهار داشت که اجازه ورود قوای جدید را نمیدهد مگر اینکه قوایی که قبل از ورود بصره شده عملاً از آنجا رفته باشند، ضمناً به ژنرال اوکنلیک نیز ابلاغ گردید که علی رغم هر پیش آمدی قوا باید پیاده شود. بدین ترتیب رشید عالی گیلانی که اعتماد و اطمینان بسیاری به هواپیماها و قوای چتر باز آلمان داشت ناگزیر با اقدام عملی گردید. نخستین عمل خصمانه رشید عالی علیه «حبابه» پایگاه هوایی انگلستان در صحرائ عراق بود. در تاریخ ۲۱ آوریل یکمده دوست و سی نفری از زنان و کودکان انگلیسی از بغداد بوسیله هواپیما به حبابه انتقال داده شدند و در پایگاه مزبور قریب نه هزار نفر کشوری و دوهزار و دوست نفر سرباز تمرکز یافت و مدرسه خلبانی آنجا حائز اهمیت بسیاری گردید. ویس مارشال سمارت فرمانده محل تدابیر سریع و فوری برای مواجهه با این بحران شدید اتخاذ نمود. در مدرسه خلبانی اساساً فقط چند هواپیمای مشقی و چند هواپیمای کهنه و قدیمی وجود داشت ولی عمده کمی هواپیماهای جنگی جدید اخیراً از مصر رسیده بود و جمعاً هشتاد و دو هواپیمای موجوده در حبابه بجهاد دسته تقسیم شد، و در ۲۹ آوریل یک گردان سرباز انگلیسی از هندوستان رسید. خلاصه دفاع زمینی در دائره هفت میلی محیط یادگان حبابه بسیار ضعیف و بلا اثر بود.

در روز سی ام آوریل قوای عراق در مسافت یک میلی و برفرازی های مشرف برفرودگاه و قرارگاه مشاهده شدند و قوای دیگری هم از بغداد بکمک این عده رسید و تعداد آنها جمعاً در حدود نه هزار نفر سرباز پیاده و پنجاه اراکه توپ بود. دو روز دیگر هم در مذاکرات و گفتگوهای بیهوده گذشت و سحرگاهان دوم ماه مه جنگ آغاز گردید.

در مقابل این خطر جدید که قوای انگلستان در عراق با آن مواجه گردیده بود ژنرال ویول هم آشکارا حاضر به تحمل مسئولیت جدیدی نبود، و اظهار داشت که حتی الامکان سعی میکند اینطور وانمود سازد که قوای عظیمی در فلسطین حاضر و مهیا بکار است، و شاید این شایعات تأثیری در رفتار دولت عراق بنماید. عقیده ژنرال ویول بر این بود که قوایی که بتواند تجهیز نماید در هر حال کافی نخواهد بود و بموقع نخواهد رسید و لاف اول باید بیکهفته صبر کرد تا این قوا بتواند شروع بکار کند، گذشته از این جای قوای مزبور در فلسطین خالی خواهد ماند و اگر در این منطقه تشویق و تحریکی به شورش شود خطرناک خواهد بود. ژنرال ویول علاوه نمود که همواره اخطار کرده ام که نمیتوان در حال حاضر قوایی از فلسطین به کمک عراق فرستاد و پیوسته توصیه نموده ام که ازر گونه اقدام مهبیجی در عراق خودداری کنیم. قوای من در اطراف کاملاً پراکنده است و من نمیتوانم دست بکاری زخم که بهیچوجه نتیجه بر آن مترتب نمیکردد.

و اما وضع انگلستان در سوریه نیز بشدت پریشان و تاریک بود. رؤسای ستاد جنگ خاورمیانه عقیده داشتند که تا تجدید بسیج قوای استرالیا حداکثر میتوانند یک تیپ موتوریزه و یک تیپ توپخانه

و يك تپ پياده بسوريه اختصاص دهند آنهم بشرط اينكه ارتباطی با عراق نداشته باشند ، و انتظار نميرفت كه اين قوه بتواند در برابر قوای كه آلمان ميتوانست بسوريه بفرستد مقاومت نمايد و در صورت ضرورت تصرف خاک سوريه مقرر گرديد كه قوای اعزامی از قوای انگليسی باشند نه از قوای تابعه فرانسه آزاد، زيرا مداخله قوای فرانسه آزاد احساسات اهالی را عليه آنها تحريك ميكرد .

در چهارم مه تصميمات انگلستان نسبت بمراق بشرح زير به ژنرال ويول ابلاغ گرديد :
 « اتخاذ تدابير در عراق حتمی و ضروری است . ما بايد تكيه گاهی در بصره تأسيس كنيم و بندر آنجارا بمنظور حمايت نفت ايران در موقع لزوم كاملاً در اختيار داشته باشيم » .

نظر به برتری نیروی هوایی آلمان در دریای اژه خطوط ارتباطی ممتد به ترکیه حایز اهمیت بسیاری شده بود و اگر انگلستان نیروی خود را بصره اعزام نمی داشت بازم اوضاع « حبابه » بدستور و تحریکات محور وخیم، و در انگلستان پیاده کردن قوا در بصره مواجبه با مقاومت شدید میشد ، لذا عملی كه انجام یافت بموقع بود چه قبل از شدت یافتن مقاومت پایگاهی در بصره برای قوای انگلستان تأمین گردید .

اما پیشنهاد ترکیه در بات وساطت موضوع بحث قرار نگرفت زیرا وضع دولت انگلستان طوری بود كه نمیتوانست قائل به امتیازاتی برای عراق بشود .

ژنرال اوكنلیك مستعد و حاضر بود كه تادم مه تا میزان پنج تپ پياده و قوای كمکی بشرط فراهم بودن كشتیهای لازم اعزام دارد . این استعداد ژنرال اوكنلیك مورد قدردانی دولت انگلستان واقع گردید در صورتیكه ژنرال ويول با اعتراض دستورات دولت را بموقع اجرا گذارد و در پنجم ماه مه پاسخ داد كه « در دستور دولت توجه لازم بعواض نشده و بایستی حقایق را در نظر گرفت » و یول تردید داشت از اینکه قوای را كه خود فراهم آورده بقدری نیرومند باشد كه بتواند حبابه را كمك كند ، و نیز تردید داشت از اینکه فرود گاه حبابه بتواند تا موقع رسیدن قوای امدادی مقاومت و پایداری نماید ، ژنرال ويول در نامه خود گفته است كه « وظیفه خود میدانم خطرناکی و وخامت آتیه را تذکره هم زیرا معتمد طول مدت جنگ در عراق در نتیجه ، دفاع از فلسطین و مصر رامواجه با خطر شدید مینماید و عكس العمل سیاسی آن بقدری شدید خواهد بود كه ممكن است تمام اقدامات دوساله ما را برای جلو گیری از اغتشاش و آشوب داخلی خنثی نماید و لذا مجدداً توصیه ميكنم كه هر چه زودتر وارد مذاكره برای آرامش اوضاع در عراق بشویم » . ولی چرچیل توجهی باین تذکرات نداشت .

نامه نخست وزیری به ژنرال اسمی برای ابلاغ به مجلس ستاد جنگ ، مورخه ۶ مه ۱۹۴۱ (« تلگرافات واصله از ژنرال ويول و ژنرال اوكنلیك بايد فوراً رسيدگی شود و بايد تا قبل از ظهر امروز گزارش امر به مجلس عوام داده شود . دونكنه زير را مخصوصاً تذکر میدهد ،
 ۱ - بچه هلت قوای نامبرده را كه ظاهراً كافی است بايد غير قادر به جنگ در عراق دانست ؟ عقیده مجلس چیست ؟ فرض كنيد كه يك لشكر سوار را در فلسطین برای تمام مدت نگاه داریم ولی نقشه برای تنظيم يك گروهان موتوریزه نداشته باشيم .

۲ - چرا بايد قوای ما در حبابه تا قبل از دوازدهم مه تسليم شوند ؟ گزارشات واصله حاکی است كه خسارات و تلفات این قواعادی و معمولی است و پیاده نظام آنجا در حده دشب موقتی بدست آورده و بطوریکه اطلاع میدهند بمجرد ظهور هواپیماهای مه توپخانه طرف ساكت میشود . بنابراین بایستی مساعی بیشتری از طرف نیروی هوایی برای كمك و تعقیب حبابه مبذول گردد . میتوان اطمینان

داشت که قوای ییادهٔ اضافی امدادی از مصر ب عراق اعزام نمود و باید او امر مهیجی به فرمانده یادگان صادر و او را به پایداری تشویق و ترغیب نمود .

چگونه میتوان موضوع تسویه را بطوریکه ژنرال ویول پیشنهاد کرده مورد بحث قرار داد؟ فرض کنیم که دولت عراق به تحریک آلمان اصرار به تخلیهٔ بصره نماید یا بخواهد دستجات کوچکی بسرپرستی خود عراق از راه عراق بفلسطین برونند . به عقیدهٔ فرمانده اول دریائی در بصره تسلیم بندر بصره ورودخانه عواقب وخیمی دارد و حکومت هندوستان هم همین عقیده را دارد . از اینرو نخست وزیر نسبت بوضع ژنرال ویول فوق العاده نگران است زیرا ظاهراً جناح شرقی آن مانند جناح غربی باوجود عدهٔ بسیاری که در اختیار دارد و کاروانهای زیادی که باو میرسند مورد تهدید قرار گرفته است و از گزارشات او چنین برمیآید که خیلی خسته است . پیشنهادات ریاست ستاد جنگ در هندوستان دایر بر امداد بصره در خور قدردانی و توجه فراوان است .

طبق پیشنهاد رؤسای ستاد کلیهٔ نامه‌ها و تلگرافات و دستورها در اختیار کمیتهٔ دفاع که ظهر همانروز تشکیل شده بود قرار داده شد و اوامر زیر بمقامات وابسته صادر گردید :

« از رؤسای ستاد به ژنرال ویول و سایر اشخاص ذمبلاقه - مورخه ۶ مه ۱۹۳۱ .

تلگراف دیروز شما مورد رسیدگی کمیتهٔ دفاع قرار گرفت . موضوع تسویه امکان پذیر نیست مگر بر اساس تسلیم عراق در مقابل کلیهٔ تقاضاهای انگلستان با اخذ تضمین علیه اقدامات محورد در عراق . حقیقت آنستکه رشید عالی گیلانی محرمانه بادولتهای محور رابطه و اتصال دارد و منتظر است که بتواند با او کمک نمایند تا حقیقت خود را آشکار سازد . ورود قوای ما به بصره او مجبور کرد که از آمادگی و تهیهٔ کامل و بیش از آنکه محور آماده کمک بوی باشد دست بافدام زند بنا بر این فرصت بسیار مناسبی در پیش داریم و میتوانیم با یک اقدام شدید وضع را بحال عادی برگردانیم . رؤسای ستاد به کمیتهٔ دفاع اطمینان داده اند که حاضر بقبول مسئولیت و اعزام قوا در اسراع اوقات میباشد . کمیتهٔ دفاع دستور داده است که به مارشال هوایی اسمارت ابلاغ گردد که کمک باو خواهد شد و بایستی تا آخرین نفس از جانبیه دفاع نماید . با در نظر گرفتن محافظت مصر کمکهای هوایی برای ادامه عملیات جنگی هوایی در عراق اعزام خواهد شد . »

در همین حال دستجاتی از آموزشگاه هوایی با هوایماهای ولنگتون از (شعبه) نزدیک خلیج فارس شروع به بمباران کردن قوای عراق که در سر تفرعات اطراف جانبیه تمرکز داشتند نمود . و در مقابل توپخانهٔ عراق نیز سر بازخانه‌های جانبیه را هدف گرفت ، و هوایماهای عراق هم با بمب و مسلسل به توپخانه کمک نمودند . در نتیجهٔ بیش از چهل نفر از قوای انگلیسی مجروح و مقتول گردید و بیست دو هوایمای انگلیسی از کار افتاد . هلی رگم دشواری بمباران در تیررس توپخانه معدنک هوایماهای انگلیسی شروع بعمله نمودند و چون ییاده نظام عراق اقدامات مؤثری نمود قوای انگلیس موفق به خاموش کردن توپخانهٔ دشمن شد ، وبعلاوه توپچیان عراق تاب مقاومت و ایستادگی در خلال حملات هوایی نداشتند و قوای انگلیس از این روحیه استفاده نمود و روز بعد حملات هوایی خود را بر قوا و محل تمرکز عراقها افزود بطوریکه در شب ۴/۳ مه قوای گشتی انگلیس از جانبیه حرکت و برخطوط دشمن حمله کرد . (بقیه در شمارهٔ بعد)